دوفصلنامه علمی- پژوهشی دانش سیاسی، سال دوازدهم، شمارهٔ دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، پیاپی ۲۴، صص۱۶۳- ۲۱۱

سیاست‌های فقرزدایی با محوریت تکافل اجتماعی

محمّدرضا آرام *
کاووس سیدامامی *

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۲۸
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۲۳

چکیده

در پاسخ به این سؤال که مسئولیت فقرزدایی با چه کسانی است، نخستین جوابی که به ذهن متبادر می‌شود «دولت» است. اما ناتوانی و ناکارآمدی نهادهای دولتی در بیشتر کشورهای در حال توسعه سبب می‌شود که مشکل فقر به قوت خود باقی بماند و در بسیاری موارد شکاف میان فقیر و غنی بیشتر شود. این پژوهش در مقام پاسخ به این پرسش است که آیا می‌توان با اتکا به برخی نهادهای دینی به مبارزه با فقر پرداخت و به شیوه‌ای مؤثر در مسیر فقرزدایی گام برداشت؟ در این مقاله با تمسّک به قرآن و عترت و با روش کارکردگرایی و مبنا قراردادن نظریه نیازهای انسان نشان می‌دهیم که تکافل و نهادهای سنتی و اصیل موجود در جوامع اسلامی، که در ورای شکاف متعارف میان مردم و دولت قرار می‌گیرند، می‌توانند به نحو مطلوبی به کاهش فقر در جامعه کمک کنند. نهادهای موضوع تکافل، ازجمله خانواده، خویشاوندان، عشیره، همسایه، برادری دینی، که به مثابه لایه‌های حمایتی و تأمینی پیش از دولت عمل می‌کنند، به نحوی مؤثر می‌توانند در تحقق جامعه‌ای فقرزدایی شده یاری‌رسان باشند. در سیاست‌گذاری‌های توسعه، به‌جای اینکه تنها بر نقش رفاهی دولت و راه‌حل‌های مبتنی توانمندسازی افراد اتکا کنیم، باید بر لایه‌های حمایتی ـ حفاظتی‌ای که فرد به‌طور طبیعی عضو آن‌هاست سرمایه‌گذاری نماییم.

واژگان کلیدی

سیاست‌گذاری، فقر، فقرزدایی، تکافل، دولت رفاهی، اسلام.

---

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و عضو مرکز رشد دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) mr.aram@chmail.ir
* استاد دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) seyedemami@isu.ac.ir

Archive of SID
www.SID.ir

مقدمه

فقر در کشورهای در حال توسعه معضلی است که میزان وقوع آن در ارتباطی مستقیم با دیگر شاخصه‌های توسعه‌نیافتگی است. وقتی از حلّ مشکل فقر سخن می‌گوییم، مقصود ما این است که به دنبال ریشه‌کنی این معضل هستیم نه حل موقّت و گذرای آن . عمده سیاستگذاری‌های تجویزی توسعه برای فقرزدایی دارای دو اشکال اساسی هستند : نخست، این سیاست‌ها بر فقرزدایی از افراد، و نه اجتماعی[1] که افراد عضو آن محسوب می‌شوند، استوار هستند و به إحیاء و تقویت نهادهایی که فرد به‌طور طبیعی عضو آن بوده‌اند توجه چندانی نمی‌کنند؛ دوم، غالباً تصوری تک‌بعدی و صرفاً اقتصادی از فقر دارند.

پرسشی که در این مقاله مطرح کرده‌ایم این است که آیا می‌توان از برخی نهادهای سنتی جامعه برای فقرزدایی به شیوه‌ای کارآمد بهره گرفت؟ با بحثی که ارائه خواهیم داد تلاش خواهیم کرد تا نشان دهیم که سیاست‌گذاری با محوریت تکافل چگونه می‌تواند به روشی کارآمد برای فقرزدایی از اجتماعات بشری ـ دست‌ِکم در جوامع اسلامی ـ تبدیل شود. همچنین به نقش و جایگاه نهادهای موضوع تکافل زیر در فقرزدایی خواهیم پرداخت: خانواده، خویشاوندان، عشیره، همسایه، حلقه دوستان، برادری دینی و ولایت.

ممکن است سؤالی مهم به ذهن متبادر شود که با مدرنیزه شدن جوامع، نهادهای موضوع تکافل در هر صورت تضعیف خواهند شد و بهره‌گیری از آن‌ها یا إحیاء آن‌ها عملی نیست. در پاسخ باید اظهار داشت که اولاً برخی از نهادهای سنتی در همه جوامع همچنان کارکردهای خود را به‌رغم فرآیندهای عمیق دگرگون‌سازی چون مدرنیته حفظ می‌کنند یا طوری خود را با شرایط جدید انطباق می‌دهند که ویژگی‌های کلی‌شان پابرجا بماند. ثانیاً، در مورد برخی نهادهای سنتی که در معرض تضعیف قرار دارند می‌توان به‌طور خلّاق دست به احیاء و بازسازی زد و کارکردهایی متناسب با شرایط جدید ایجاد کرد. به علاوه باید گفت اگر هدف از پیشرفتی که با مدرن شدن جوامع حاصل می‌شود ارتقاء سطح کیفی و کمی زندگی انسان‌ها یا رسیدن به سعادت است، تضعیف یا حذف نهادهایی که فرد به‌طور طبیعی عضو آن‌هاست و پاسخگوی سطح وسیعی از نیازهای مادی و غیرمادی او هستند انحرافی از آرمان پیشرفت به حساب خواهد آمد.

Archive of SID

www.SID.ir

در تحلیلی **کارکردگرایانه**، با توجه به وجود نهادهای عمدتاً بهره‌کش و استخراجی در کشورهای در حال توسعه و فقدان عزم جدی سیاست‌مداران این کشورها برای فقرزدایی، سیاست‌گذاری عمومی با محوریت نهادهای سنتی این جوامع، همچون نهادهای موضوع تکافل در جوامع اسلامی، در زمره بهترین و نزدیک‌ترین راه‌های ممکن برای فقرزدایی در این کشورها خواهد بود. از سوی دیگر، کشورهای توسعه‌یافته نیز گریبان‌گیر شکاف روزافزون میان دارا و ندار هستند. راهکارهای عمده برای فقرزدایی در کشورهای غربی و دولت‌های رفاهی ـ که عمدتاً متأثر از عقاید کینز بوده است ـ در گذشته در قالب ترویج خیریه‌ها و امروزه در قالب سیاست دریافت مالیات به صورت تصاعدی از اقشار مرفه‌تر جریان دارد. در این کشورها دولت‌های رفاهی مسئول اصلی تأمین رفاه جامعه‌اند و این کار را عمدتاً با ایجاد نظام‌های تأمین اجتماعی صورت می‌دهند. هرچند، در چند دهه اخیر به سبب فرآیندهای جهانی‌شدن و انواع بحران‌های مالی و اقتصادی و نیز قدرت‌گیری افکار راست جدید، بسیاری از حکومت‌های دموکراتیک غربی ناچار بوده‌اند هزینه‌های رفاهی خود را به شدت کاهش دهند (مارشال، ۱۳۸۸: ۱۲۵۱). ازاین‌رو سیاست‌گذاری‌های بدیلی چون استفاده از نهادهای سنتی خودیاری برای رفع محرومیت نیز می‌تواند به راهکاری مناسب برای کاهش فاصله طبقاتی فراگیر در کشورهای توسعه‌یافته تبدیل شود.

بدیل مالیات در نظریه تکافل منابعی چون انفال، زکات، خمس، انفاق، وقف، صدقه و هدیه هستند. از مزایای سیاست‌گذاری تکافل‌محور بر سیاست‌گذاری مالیات‌محور برای فقرزدایی این است که اولاً فرد دارا، بر خلاف زمانی که مالیات می‌دهد، در برابر فرد ندار احساس مسئولیت کرده و بخشی از دارایی خود را با کمال رضایت تا سرحدّ بی‌نیازی در اختیار فرد ندار قرار می‌دهد. ثانیاً در این الگو بسیاری از نیازهای عاطفی فرد ندار ـ مثل نیاز به محبّت و عاطفه ـ و فرد دارا ـ مثل نیاز به نوع‌دوستی ـ تأمین می‌شود. ثالثاً فرد دارا در اثر تعامل مستقیم با فرد ندار از داشته‌های خود احساس رضایت و آرامش و لذّت می‌کند، حال آنکه در نظام مالیات فرد دارا به دلیل عدم مواجهه مستقیم با فرد ندار و مقایسه دائمی خود با هم‌قطارانش در طبقه دارا، همواره نسبت به داشته‌های خود احساس نارضایتی و محرومیت می‌کند. رابعاً «دولت‌ها آنچه از

Archive of SID

www.SID.ir

مالیات‌دهندگان می‌گیرند و در زمینه خدمات رفاهی هزینه می‌کنند به شیوه‌ای یکسان و به قول معروف «یک سایز مناسب برای همه»[۲] صرف خدمات می‌کنند (گلداسمیت، ۱۳۹۵: ۲۹)، امّا در سیاست‌گذاری تکافل‌محور افراد بر حسب نوع و میزان نیازشان خدمات دریافت می‌کنند.

مفاهیم

۱. فقر

فقر در لغت به معنای «ناتوانی‌ای است که باعث نیازمند شدن انسان می‌شود و در مقابل بی‌نیازی قرار می‌گیرد» (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج۹: ۱۳۰).

فقر در اصطلاح عبارت است از «نداشتن چیزهایی که آدمی در زندگی به آن‌ها نیازمند است، و ناقص یا اندک بودن امکاناتی که شکوفایی قابلیت آدمی و ظهور استعدادهای او به آن‌ها بستگی دارد» (حکیمی و دیگران، ۱۳۸۰، ج۴: ۴۰۰). بنابراین فقر تنها به معنای ساده کمبود درآمد نیست. فقر پدیده‌ای چندبعدی است که ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را در برمی‌گیرد. فقر عبارت است از ناتوانی در برخورداری از یک زندگی آزادانه و شرافتمند، به‌طوری که ظرفیت کافی برای نیل به اهداف آرمانی نوع بشر را نداشته باشد (United Nations, 2010: 8).

۲. تکافل

تکافل از ریشه «کفل» است که این ریشه به معنای «دادن تعهد به تأمین نیازهای جاری و معاش شخص» است (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج۱۰: ۹۶).

«تکافل عام به معنای اصلی است که اسلام بر مسلمانان کفالت و پشتیبانی یکدیگر را واجب کفایی ساخته است. اسلام این همیاری را وظیفه هر مسلمان در حدود امکانات و توانش دانسته که باید آن را در هر حال انجام دهد، همان‌طور که دیگر کارهای واجبش را انجام می‌دهد» (صدر، ۱۴۲۴ق، ج۳: ۷۷۴). تکافل نه تنها در مورد تأمین نیازهای اساسی است، بلکه در مورد حقوق طبیعی پنج‌گانه (حق حیات، آزادی، آموزش، شرافت و تمّلک) نیز صدق می‌کند (سباعی، ۱۹۹۸م: ۱۷۵-۱۷۶). در برداشتی

Archive of SID

www.SID.ir

موسع از مفهوم تکافل، سید قطب اظهار می‌دارد که «تکافل می‌تواند بین فرد و خودش، بین فرد و نزدیکانش، بین فرد و اجتماع، بین امّت و امّت‌ها و بین یک نسل و دیگر نسل‌ها باشد» (قطب، بی‌تا: ۵۳).

تکافل اجتماعی در تعریف برگزیده نگارندگان به معنای شناسایی نوع و میزان نیازها و مشکلات یکدیگر برای یاری چندجانبه میان افراد در جامعه مدنی است، به‌طوری که بخش قابل توجهی از نیازهای افراد تأمین شود. این همیاری مدنی در بستر نهادهای فعّال در حوزه تکافل (مثل خانواده، همسایه، خویشاوندان، عشیره، دوستان، برادران دینی) به مثابه کمربندهای حمایتی ـ تأمینی پیشادولتی انجام می‌شود. نقطه مقابل تکافل اجتماعی فردگرایی و عقلانیت ابزاری قرار می‌گیرد که در آن منافعِ شخصی تعیین‌کننده نوع و میزان مناسبات اجتماعی است.

۳. نهادهای موضوع تکافل

مارشال از نهاد در قالب نوعی «ابر عرف»[۳] یاد می‌کند، یعنی «مجموعه‌ای از عادات و رسوم، شیوه‌های قومی، و الگوهای رفتاری که با منافع اصلی اجتماعی سروکار دارند: حقوق، مسجد[۴] و خانواده. بنابراین یک نهاد اجتماعی متشکل از همه مؤلفه‌های ساختاری یک جامعه است که از طریق آن‌ها ملاحظات و فعالیت‌های عمده سازماندهی می‌شوند و نیازهای اجتماعی (از قبیل نظم، اعتقادات و بازآوری) برآورده می‌گردند» (مارشال، ۱۳۸۸: ۵۶۸و۵۶۹).

در بحث ما نهادهای موضوع تکافل عبارتند از: خانواده، همسایه، خویشاوندان، عشیره، دوستان، و برادران دینی یا هم‌کیشان.

پیشینه پژوهش و جنبه نوآوری

با توجه به معانی تکافل دو نوع پیشینه متفاوت در این زمینه وجود دارد.

۱. تکافل بالمعنی الأخص

این معنا از تکافل در علم اقتصاد و مدیریت به کار می‌رود. تکافل در این رشته‌ها

Archive of SID

www.SID.ir

فی‌الجمله به معنای «بیمه اسلامی»[۵] است. پژوهش‌های انجام گرفته در این زمینه بسیار پرشمار است و موضوع پژوهش حاضر از این پژوهش‌ها به‌دور است.

۲. تکافل بالمعنی الأعم

هدف پژوهش‌های انجام گرفته در زمینه تکافل به معنای عام تأمین مجموعه نیازهای انسان از راه‌های تجویز شده توسط اسلام است.

۲-۱. تکافل فردی

تکافل فردی به معنای خودیاری[۶] است. سید قطب در کتاب «العدالة الإجتماعیة فی الإسلام» ضمن معرفی تکافل اجتماعی به‌عنوان بسترهای تحقق عدالت اجتماعی در اسلام، یکی از اقسام تکافل را تکافل فردی می‌نامد که هر فرد با تربیت درست اسلامی به تکفّل نیازهای شخصی‌اش می‌پردازد. خودیاری به نوعی سیاست پیشگیری از ابتلای به فقر محسوب می‌شود ولی از آنجا که این پژوهش درصدد ارائه راهکار برای درمان معضله فقر است، این معنا از تکافل به‌طور مبسوط بیان نمی‌شود.

۲-۲. تکافل اجتماعی

در این پژوهش هنگامی که واژه تکافل به تنهایی استعمال می‌شود، به معنای تکافل اجتماعی انصراف دارد. پژوهش‌های انجام گرفته درباب تکافل اجتماعی عمدتاً در جهان عرب و توسط متفکران اهل‌سنت بسط یافته است. ابوزهره، سباعی، عبدالعال، عوض و ناصح علوان در کتاب‌های جداگانه‌ای با عنوان یکسان «التکافل الإجتماعی فی الإسلام» به بررسی معنا و مفهوم تکافل در اسلام و ابعاد آن پرداخته‌اند. کتاب «التکافل الإجتماعی فی مدرسهٔ اهل البیت (علیهم‌السلام)» ذهیبات تنها کتاب منسجم یک نویسنده شیعی در باب تکافل اجتماعی محسوب می‌شود. همچنین شهید صدر در کتاب «اقتصادنا» ضمن بیان ساختار عمومی اقتصاد اسلامی به بحث تکافل اجتماعی نیز اشاره می‌کنند. ایشان یکی مبانی عدالت اجتماعی را تکافل‌اجتماعی می‌داند.

پژوهش حاضر از چند جهت نسبت به پژوهش‌های مشابه تمایز و **نوآوری** دارد:

Archive of SID

www.SID.ir

تبیین مفهوم فقر و اقسام آن و رتبه‌بندی میان آن‌ها با استناد به آیات و روایات؛ برشمردن تمام نهادهای موضوع تکافل؛ تشریح کارکردهای نهاد ولایت در فقرزدایی که در منابع قدیمی کمتر به آن پرداخته شده است؛ نقش نظام سیاسی در حفظ و تقویت نهادهای موضوع تکافل در امر فقرزدایی؛ و استشهاد به یک نمونه ملموس تکافل در کشور عراق از مهم‌ترین نوآوری‌های این پژوهش محسوب می‌شوند.

روش‌شناسی و چارچوب نظری

با استفاده از روش کارکردگرایی در تبیین پدیده‌ها می‌توان ابزار نظری مناسبی برای تبیین مسئله فقر طراحی کرد.

۱. نظریه کارکردگرایی[۷]

کارکردگرایی نظریه‌ای است که بر اساس آن کل جامعه به مثابه یک سیستم منسجم در نظر گرفته می‌شود که اجزاء تشکیل‌دهنده آن با انجام کارویژه‌های مکمّل خود، با یکدیگر ارتباط متقابل پیدا می‌کنند. دو فرض بنیادی این نظریه عبارت‌است از وابستگی متقابل اجزاء و اجماع عمومی بر سر ارزش‌ها که طبق آن «اگر افراد اعتماد خود را به جامعه (سیستم) از دست دهند، در پی تغییر آن برخواهند آمد» (دیلینی، ۱۳۸۷: ۳۵۳و۳۵۴). کارکردگرایی اساساً تلاش می‌کند تا موجودیت یک پدیده یا به‌طور خاص هر نهاد مشخص اجتماعی و فرهنگی را در قالب پیامدهایی که برای جامعه به مثابه یک کل دارد، تبیین کند (ادگار و سج‌ویک، ۱۳۸۷: ۲۱۴؛ مارشال، ۱۳۸۸: ۴۳۱). «تالکوت پارسونز» به‌عنوان مهم‌ترین متفکر نظریه کارکردگرایی، ـ با روش سیستمی خود ـ کارویژه اصلی جامعه را «محدود کردن امیال بی‌حد و حصر انسان و وضع قواعد و مقرراتی برای این امیال» می‌داند. در این دیدگاه توزیع منابع و ارزش‌ها از یکسو و همبستگی اجتماعی از سوی دیگر مهم‌ترین مسائل نظام اجتماعی محسوب می‌شوند. این نظریه بر ثبات اجتماعی و همخوانی نهادهای اصلی جامعه چون اقتصاد، خانواده، سیستم سیاسی و سیستم ارزشی تأکید دارد (دیلینی، ۱۳۸۷: ۳۵۴). این نظریه توزیع متناسب منابع مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را عامل ثبات و پویایی

Archive of SID

www.SID.ir

نظام‌های سیاسی و توزیع نامتناسب این منابع را عامل بی‌ثباتی نظام سیاسی معرفی می‌کند (علیزاده، ۱۳۸۹: ۱۲۷–۱۲۵). وجود یک نظام ارتباطی کارآمد، اهداف روشن و مشترک و وجود روش‌هایی در چارچوب نظام ارزشی برای رسیدن اهداف مشترک از مهم‌ترین پیش‌فرض‌های نظریه کارکردگرایی است.

مفهوم نیاز در نظریه کارکردگرایی از جایگاهی محوری برخوردار است. نظریه کارکردگرایی از اندیشه پیوند نیازها با نظام بهره گرفته و فلسفه وجودی هر نظام یا سیستمی را تأمین برخی از نیازها می‌داند (بودون و بوریکو، ۱۳۸۵: ۵۵۲؛ خانی، ۱۳۹۱: ۱۵۰و ۱۵۱). مالینوفسکی از دیگر نظریه‌پردازان کارکردگرایی است که برای نظریه نیازها نقشی محوری در کارکردگرایی قائل است. «اعمال اجتماعی اگر و تنها اگر به کامیابی نیازها منجر شوند، کارکردی را ارضا می‌کنند». وی میان سه نوع از نیازهای انسان تفکیک قائل می‌شود. اولین سطح این نیازها «نیازهای زیستی اولیّه» مانند نیاز به غذا هستند. دومین سطح نیازها مربوط به «نیازهای اجتماعی» مثل نیاز به همکاری و همبستگی هستند. سومین سطح نیازها به نیازهای «یکپارچگی جامعه» مربوط می‌شود. این نیازها دربردارنده نهادها و سنت‌هایی است که فراهم‌کننده آن دسته از الگوهای رفتاری‌اند که با انتقال از نسل‌ها برای تأمین نیازهای اجتماعی ایجاد شده‌اند (برت، ۱۳۸۹: ۸۹).

۲. نظریه نیازهای‌انسان

اگر فقر را به‌عنوان یکی موانع اصلی تأمین نیازهای بشری بدانیم، می‌توانیم برای تأمین نیازها چارچوبی نظری پی‌ریزی کنیم. با مبنا قرار دادن مفهوم **نیاز** به موازین خوبی برای ارزیابی سیاست‌گذاری‌های فقرزدایی دست می‌یابیم.

۲-۱. حل نیازها در رابطه‌ای همسو

تأمین نیاز یا حل مشکل نباید در رابطه‌ای متعارض صورت پذیرد. نهاد مطلوب نهادی است که حل نیازهای محوله در آن حتّی‌الإمکان باعث ایجاد نیازها و مشکلات جدیدی نشود. سیاست‌گذاری‌های توسعه برای فقرزدایی باید رویکردی «حل المسائلی» اتّخاذ

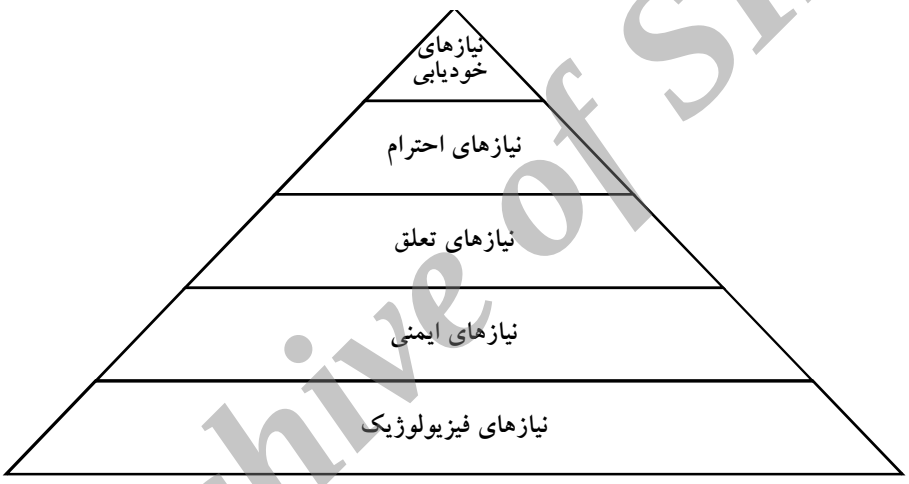
Archive of SID

www.SID.ir

کنند به نحوی که حل یا بهبود مسئله فقر باعث ایجاد مسایلی جدید در سایر عرصه‌ها نشود .

۲-۲. حل دائمی نیازها

تأمین برخی نیازها یا حلّ پاره‌ای از مشکلات در نهادهای اجتماعی باید دائمی باشد نه موقتی و برای دوره زمانی خاص. تحقق این مهم معلول شناسایی دقیق مشکلات و علّت بروز آن‌هاست. فقر هرچند عامل بروز مشکلات زیادی است، امّا خود معلول مشکلاتی دیگر است، مشکلاتی نظیر سبک زندگی فقرزا، بیکاری، حرص و طمع و غیره .



شکل :۱سلسله مراتب نیازها در هرم مازلو(Maslow, 1970: 51-171)

گونه‌شناسی فقر

همان‌طور که نیازهای انسان به نیازهای مادی یا فیزیولوژیکی و نیازهای غیرمادی (نظیر امنیت، محبّت، خودشکوفایی) قابل تقسیم است، عدم إرضاء یا ارضاء ناقص هرکدام از این نیازها را می‌توان نوعی فقر دانست. بر این اساس می‌توان دو گونه فقر را در یک تقسیم‌بندی کلان بیان کرد.

۱. فقر مادی

فقر مادی به معنای نداشتن حدأقل دارایی اقتصادی برای امرار معاش روزانه است.

Archive of SID

www.SID.ir

می‌توان تنها تمام نیازهای فیزیولوژیکی در هرم مازلو را در این دسته قرار داد. نیازهایی چون خوراک، پوشاک، آب سالم و خواب کافی در این دسته قرار می‌گیرند. این آشکارترین و رایج‌ترین نوع فقر محسوب می‌شود.

۲. فقر غیرمادی

می‌توان تمام نیازها به غیر از نیازهای فیزیولوژیکی که در هرم مازلو به آن‌ها اشاره شده است را در این دسته جای داد. باتوجه به گستره مفهومی‌فقر غیرمادی می‌توان این‌گونه را نیز به دو نوع فرعی تقسیم‌بندی نمود: فقر فرهنگی و طمع.

فقر فرهنگی به معنای عدم برخورداری از آموزش، فرهنگ و سبک زندگی صحیح برای استفاده از داشته‌هاست. این نوع فقر در نوشتگان دینی بدترین نوع فقر نامیده شده است (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: ۴۷۸). در حدیثی امام صادق (علیه‌السلام) فقر فرهنگی را معنای اصلی فقر بیان می‌کنند: «فقر همان مرگ خونین است. شخصی از آن حضرت پرسید: مقصود از فقیر بودن، نداشتن پول طلا و نقره است؟ فرمودند: نه، بلکه ندانستن و فقر دینی است که مسائل و معارف دینی را نیاموخته باشد، و صفات پسندیده را از ناپسند نشناسد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۲: ۲۶۶؛ ابن بابویه، ۱۳۶۹، ج۳: ۳۶۶).

نوع دوم فقر غیرمادی را می‌توان طمع نامید. این نوع فقر که عمدتاً افراد دارا به آن مبتلا می‌شوند، باعث افتادن این افراد در یک تسلسل پایان‌ناپذیر از خواسته‌ها و تمایلات است به‌طوری که هیچ‌گاه از داشته‌های خود احساس رضایت نمی‌کنند. در صورت دستیابی به هر خواسته، خواسته‌های جدید و بزرگ‌تری بر آن‌ها مطرح می‌شود. این افراد به تعبیر افلاطون هر قدر که مال‌ومنال یا ثروت داشته باشند باز هم إرضاء نمی‌شوند و از زندگی خود لذت نمی‌برند (کلوسکو، ۱۳۹۱، ج۱: ۱۵۰). از جمله پرسش‌هایی که امیرالمؤمنین از فرزند خود امام حسن (علیه‌السلام) پرسیدند این بود که فقر چیست؟ ایشان پاسخ دادند: «حرص و طمع و شدت تمایل به چیزی عین فقر است» (ابن‌بابویه، ۱۴۰۳ق: ۲۴۴). همچنین امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «فقر حاضر و آماده و بالفعل، همان طمع است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۲: ۱۴۸)[۸]. علامه مجلسی در تفسیر اینکه چرا طمع به داشته‌های دیگران همان فقر است می‌گوید: چرا که فرد طمع‌کار از فقر

Archive of SID

www.SID.ir

می‌ترسد و مفسده فقر اظهار نیاز به مردم است، بنابراین افراد طمّاع برای اجتناب از فقر، دست به دامان دیگران به‌عنوان مفسده فقر می‌شوند و درنتیجه دچار فقر می‌گردند (المجلسی، ۱۴۰۴ق، ج۸: ۳۵۵).



شکل ۲: رابطه دوری اظهار نیاز و فقر

درجه‌بندی اقسام فقر و رابطه آن‌ها با یکدیگر

پس از آشنایی با گونه‌های فقر و پیش از آنکه بخواهیم برای فقرزدایی راهکاری جامع ارائه نماییم، لازم است میزان خطر هر کدام از اقسام فقر را مشخص کنیم. به دلایل زیر فقر غیرمادی از فقر مادّی خطرناک‌تر است.

۱. دلیل عقلی: فقر مادی لزوماً منجر به ناهنجاری و بزهکاری نمی‌شود، امّا فقر فرهنگی مساوی است با اسراف منابع و امکانات در اموری که نیازی به انجام آن‌ها نیست. فقیر مادی می‌تواند کفّ نفس کرده و با فقر خویش کنار بیاید و تعرّض به کسی نکند، اما فقیر غیرمادی لامحاله باعث اسراف و ایجاد محرومیت نسبی و افزایش نارضایتی‌ها می‌شود.

۲. دلیل نقلی: راغب اصفهانی حدیث معروف «کاد الفقر أن یکون کفراً» را ذیل معنای غیرمادی فقر، معنا می‌کند و بر این امر تأکید دارند که این فقر نفسانی و روحی است که منجر به کفر می‌شود، یعنی انسان آزمند و حریص و زیاده‌خواه همواره کارش به کفر و بی‌ایمانی می‌انجامد. به گفته راغب، کفر و بی‌ایمانی عمدتاً در خاندان کاخ‌نشینان و مستکبران و زراندوزان وجود دارد نه در کلبه‌های خداپرستانِ کوخ‌نشین.

Archive of SID

www.SID.ir

آنجایی که در دعا می‌خوانیم: از فقر نفسانی که باعث می‌شود صاحبش داشته‌های خود را فراموش کند و فقط نیمه خالی لیوان را ببیند به خدا پناه می‌بریم (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج۳: ۷۸).

بنابراین می‌توان از این زاویه گفت که سؤال اصلی کشورهای در حال توسعه این نیست که چرا فقر مادی در این کشورها وجود دارد؟ سؤال اصلی و اولیه این است که چرا فقرغیرمادی در کشورهای در حال توسعه تا بدین حد زیاد است؟ لذا علاوه بر آنکه به دنبال فقرزدایی مادی باشیم، باید برای فقرزدایی غیرمادی نیز سیاستگذاری کنیم. نظام‌های اداری و بوروکراتیک اغلب عاجز از تشخیص و درمان فقر غیرمادی هستند. حتی در راهبردهای متعارف توسعه اغلب شاهدیم که از یکسو با ایجاد نیازهای کاذب در افراد مصرف‌گرایی ترویج می‌شود و عملاً فقر غیرمادی رواج می‌یابد و از سوی دیگر ادعای فقرزدایی مطرح می‌شود. از آنجا که فرهنگ امری اصالتاً حکومتی نیست، بنابراین حتّی قدرتمندترین و ثروتمندترین نظام‌های سیاسی به تنهایی عاجز از ریشه‌کنی فقر غیرمادی هستند. درنتیجه باید متمسک به نهادها و گروه‌هایی شویم که ضمن حمایت‌های مادی و اقتصادی، متولّی اصلی حمایت‌های غیرمادی و معنوی نیز باشند. این نهادها همان نهادهای موضوع تکافل هستند.

نقش و جایگاه نهادهای موضوع تکافل در فقرزدایی

به گفته یکی از منتقدان جامعه مدرن، در جوامع سنتی فرد تنها «در درون شبکه روابط اجتماعی خود جلوه و مقامی حقیقی دارد؛ او عضو جدایی‌ناپذیر پیوستاری ناگسستنی است که از وی فراتر می‌رود و او را در دل خود جای می‌دهد». اما در جوامع مدرن، برعکس، «فرد در گروه خود وضعیتی متزلزل دارد. او هویت‌های جمعی خود را از دست داده و ـ فاجعه اصلی در آن است که ـ به «یتیم جمع و مریض جامعه» بدل شده است» (بهنام، ۱۳۸۳: ۳۷ و ۳۸). در جامعه سنتی پیوند فرد با اجتماع به‌طور طبیعی شرایطی را پدید می‌آورد که فرد در زیر چتر حمایتی سایر افراد قرار می‌گیرد.

آمارتیا سن، که دیدگاه‌هایش درباره توسعه در سالیان اخیر باب تازه‌ای را در مباحث توسعه گشوده است، با تکیه بر اصل نیازمندی متقابل انسان‌ها به هم در اجتماع

Archive of SID

www.SID.ir

و با درک نقش مهم نهادهای سنتی غیردولتی در جامعه اظهار می‌دارد: «از آنجا که انسان‌ها در حالت کلّی با هم زندگی می‌کنند، نمی‌توانیم این اندیشه را که اتفاقات ناگوار اطراف ما اساساً مشکل همگی ماست نادیده بگیریم. رفع این مشکلات وظیفه و مسئولیت همگی ماست حتّی اگر مربوط به فرد دیگری باشد. دیدگاه تک‌بُعدی اعتباری از مسئولیّت فردی (حضور یک انسان تنها در جزیره تخیلی دوردست و بدون دخالت دیگران) باید نه تنها با پذیرش نقش دولت، بلکه با پذیرش و شناخت نقش نهادها و عوامل دیگر گسترده‌تر شود» (سن، ۱۳۸۱: ۳۱۸–۳۱۵).

براساس میزان و سطح علقه‌ها، وابستگی‌ها و مسئولیت‌پذیری‌های متقابل مشترک می‌توانیم نهادهای موضوع تکافل را طبقه‌بندی کنیم.

نهادهای فعّال در حوزه تکافل عبارت است از نهاد خانواده، نهاد خویشاوندان، نهاد عشیره، نهاد همسایه، نهاد دوستی، نهاد برادری و نهاد ولایت. هر یک از این نهادها دارای مراتب هستند. طبعاً به میزانی که در هر کدام از این نهادها روابطی عمیق‌تر وجود داشته باشد، عملکرد آن‌ها در فقرزدایی گسترده‌تر خواهد بود. یکی از شاخص‌های تمایزبخش این نهادهای اصیل از دیگر نهادهای غیرحکومتی هدف افراد از ارتباط با یکدیگر در چارچوب این نهادهاست. هدف از یاری‌گری در نهادهای موضوع تکافل بده‌بستان و سودجویی با رویکرد هزینه ـ فایده[۹] نیست. همیاری با دیگران بر مبنای تراحم، تعاون، عدالت، احسان، مسئولیت همگانی، ایثار، سیادت و سروری و جود و انفاق است. هرچند برآیند این تکافل در درازمدّت به سود همگان خواهد بود. به‌طوری که اگر روزی ثروتمندی فقیر یا ورشکسته شد، دیگران به یاری او خواهند شتافت.

در اینجا به‌طور گذرا به تعریف، اهمیّت، شیوه عملکرد و وظایف هرکدام از این نهادها در قبال مبارزه با پدیده شوم فقر، با تکیه بر قرآن و عترت، می‌پردازیم.

۱. نقش و جایگاه نهاد «خانواده»

«خانواده ابتدایی‌ترین هسته‌ای است که جامعه از آنجا می‌آغازد و به‌تدریج رشد می‌کند و به ارحام نزدیک و دور و سپس از یکسو به عشیره، قبیله، قوم و امت و ملت و از سوی دیگر به روستا و شهر، کشور و قاره توسعه می‌یابد» (جوادی‌آملی، ۱۳۹۱: ۴۹).

Archive of SID

www.SID.ir

این علقه و پیوند آن‌قدر شدید است که هزینه‌ها و منافع هر کدام از اعضاء خانواده هزینه یا نفع کل خانواده محسوب می‌شود. روابط افراد با یکدیگر در هر کدام از این نهادها از سنخ روابط قراردادی و تجاری نیست که با بی‌مبالاتی یک طرف نسبت به وظایف و تکالیفش، طرف مقابل مجاز به ترک وظایف و فسخ رابطه‌اش باشد.

دانشمندان علوم اجتماعی بر این باورند که خانواده، اگرچه کوچک‌ترین نهاد اجتماعی محسوب می‌شود، اما در عین حال مهم‌ترین نهاد اجتماعی است. «کاهش حمایت یا بی‌توجهی دولت‌ها به این نهاد مهم موجب بی‌ثباتی خانواده و به‌طور طبیعی موجد ناهنجاری‌های وسیع اجتماعی می‌شود» (معینی‌فر، ۱۳۹۰: ۷). بنابراین، خانواده معمولاً نخستین پناه و پشتیبان برای هر فرد به شمار می‌آید، و فرد در بروز دشواری‌ها همواره به خانواده بازمی‌گردد و از آن یاری می‌طلبد.

۱-۱. کارویژه‌های نهاد خانواده در فقرزدایی

نهادخانواده به‌عنوان اوّلین و مهم‌ترین نهاد موضوع تکافل نقش منحصربه‌فردی در ریشه‌کن کردن اقسام فقر (مادی و غیرمادی) ایفا می‌کند.

الف. فقرزدایی در دوره‌های ناتوانی

فقر و ناتوانی معمولاً قرین یکدیگر هستند. لذا اسلام تأکید فراوانی بر رسیدگی به افراد ناتوان در دوره‌های ناتوانی می‌کند. همان‌گونه که پدر و مادر به هنگام خردسالی و ناتوانی کودکانشان نیازهای آن‌ها را تأمین می‌کنند، فرزندان نیز باید در دوران توانایی خود نیازهای والدین را تأمین نمایند. یکی دیگر از کارکردهای قابل توجه تکافل خانوادگی در هنگام ازدواج بروز و ظهور می‌یابد به‌طوری که برخی متفکران از این نوع تکافل تحت عنوان قانون «إعفاف» یاد کرده‌اند. ازدواج برای کسی که به آن نیازمند است و در صورت ترک آن خوف ارتکاب گناه در او می‌رود واجب است. در این حالت اگر فرد مجرّد منابع مالی لازم برای شروع یک زندگی را نداشته باشد و فقیر باشد، وظیفه اولیای اوست که مقدمات ازدواج او را فراهم کنند (سباعی، ۱۹۹۸: ۱۹۴).

Archive of SID

www.SID.ir

ب. نقش تشکیل خانواده در کاهش بیکاری به‌عنوان یکی از علل فقر

طبق آموزه‌های اسلام یکی از راه‌های افزایش رزق و روزی ازدواج شمرده شده است.[۱۰] روزی مردی نزد رسول خدا (ﷺ) آمد و نزد ایشان اظهار نیاز کرد. پیامبر (ﷺ) به او دستور ازدواج می‌دهند. وقتی آن مرد ازدواج کرد، نیازهایش تأمین شد (کلینی، ۱۴۰۷، ج۵: ۳۳۰).

امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «زن و زندگی، رزق و روزی را هم با خود به همراه می‌آورد» (کلینی، ۱۴۰۷، ج۵: ۳۳۰).

امروزه داشتن کار و کسب و تأمین کامل نیازهای مادی شرط لازم ازدواج تلقی می‌شود، حال آنکه طبق روایات کسب‌وکار و معیشت از ثمرات ازدواج است. در تحلیل این مهم می‌توان گفت از آنجا که ازدواج باعث خارج شدن فرد از حصار تنگ نیازهای شخصی و افزایش *مسئولیت‌پذیری* در قبال تأمین نیازهای دیگری می‌شود، فرد با ازدواج جویای کار می‌شود تا سطح بیشتری از نیازها را تأمین کند و برای تحقق این مهم و گرفتار نشدن زیر بار مشکلات یا با تحریک قوای ابتکار و خلاقیت برای خود و دیگران *کارآفرینی* می‌کند یا اینکه حاضر است به کارهایی با شأن اجتماعی پایین‌تر تن در دهد.

۲. نقش و جایگاه نهاد «خویشاوندان»

خویشاوندان نسبی و سببی هر فرد دومین لایه حمایتی ـ تأمینی او به شمار می‌آیند. مهم‌ترین خویشاوندان عبارتند از پدربزرگ و مادربزرگ، عموها، عمه‌ها، خاله‌ها، دایی‌ها و فرزندان آنان. حمایت و پشتیبانی خویشاوندان از یکدیگر باعث می‌شود تا از دامنه فقر در درون نهاد خویشاوندان کاسته شود. وجوب صله‌رحم و تأکید بر آن به این علت است که خویشاوندان از احوال هم مطلّع و مشکلات یکدیگر را شناسایی کنند تا به‌طور جمعی درصدد رفع آن برآیند. همچنین طبق احکام فقهی در مصارف زکات و خمس و صدقات، اولویت با خویشاوندان هر فرد است و آنجا که خویشاوندِ نیازمندی وجود داشته باشد، جای صدقه دادن به دیگری نیست (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج۲: ۶۸).[۱۱]

معصومین (علیهم‌السلام) رابطه معکوسی میان صله رحم و فقر بیان کرده‌اند. امام علی (علیه‌السلام)

Archive of SID

www.SID.ir

فرمودند: «نتیجه قطع ارتباط با خویشاندان مبتلا شدن به فقر است و نتیجه صله رحم افزایش رزق و روزی» (ابن‌بابویه،۱۳۶۲، ج۲: ۵۰۴).[۱۲] امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) بارها می‌فرمودند: «سرکشی به خویشاوندان و دلجویی و نیکی به آن‌ها، باعث افزایش مال و طول عمر می‌شود» (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳ق، ج۱: ۲۰۵).

رابطه معکوس میان صله رحم و فقر را می‌توان به چند صورت تحلیل نمود:

اول. خداوند متعال برای هر کسی رزقی مقدر فرموده است. حال اگر کسی از بندگان خدا به تأمین نیازهای دیگران پرداخت، او سعه وجودی پیدا کرده و رزق بیشتری نصیب او می‌شود.

دوم. صله رحم یکی از فضایل اخلاقی است که فطرت بشری آن را پسندیده می‌داند. لذا فردی که صله رحم می‌کند، مورد یاری دیگر یاری‌گران قرار می‌گیرد (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج۸: ۳۶۳و ۳۶۴).

سوم. وقتی روابط اجتماعی از حصار تنگ فردگرایی خارج شد، افراد در اثر تعامل و نزدیکی و حُسن اعتماد به یکدیگر، دارایی‌های خود را به اشتراک هم می‌گذارند، بدون آنکه هزینه برای خویشاوند خود را هزینه برای غیر خود بدانند.

چهارم. در خلال ارتباط با خویشاوندان، نیاز به تعلق و احترام در فرد تأمین می‌شود و او دچار انواع ناراحتی‌های روحی ناشی از انزوای اجتماعی چون افسردگی و احساس بیگانگی نمی‌شود.

۳. نقش و جایگاه نهاد «عشیره»

سومین لایه حمایت‌گر افراد در جامعه عشیره آن‌ها است. عشیره که نهادی به مراتب بزرگ‌تر و گسترده‌تر از نهاد خویشاوندی محسوب می‌شود کارکردهای زیادی در فقرزدایی ایفا می‌کند.

۳-۱. تعریف عشیره

عشیره در معنای اصطلاحی «یک واحد اجتماعی است که همه اعضاء آن از نیایی پدید می‌آیند که در خطی واحد به او منسوب می‌شوند و آن خط اولاد ذکور است (در عشایر

Archive of SID

www.SID.ir

پدرتبار) یا از خط اولاد اناث است (در عشایر مادرتبار). عشیره مشتمل بر چند واحد خانوادگی است. عشیره با خانواده تفاوت دارد از این جهت که افراد عشیره نَسَب خود را از طریق یکی از والدین پی می‌گیرند. وظایف و مسئولیت‌هایی که در میان افراد یک خانواده وجود دارد، به تمام افراد عشیره سرایت می‌کند و میزان دوری یا نزدیکی افراد عشیره نسبت به یکدیگر باعث کم یا زیاد شدن این مسئولیت‌ها نمی‌شود» (غربال، ۱۹۷۸م، ج۲: ۱۲۱۳).

۳-۲. کارکردهای عشیره در فقرزدایی

در تعابیر و توصیه‌های دینی به اهمیت عشیره و لزوم حفظ ارتباط با آن به دلایل متعدد تأکید فراوانی شده است. از وصایای امام علی (علیه‌السلام) به امام حسن (علیه‌السلام) این است که: «به عشیره‌ات رسیدگی کن، زیرا آنان بال و پَر تو هستند که با آن پرواز می‌کنی، و اصل و ریشه تو هستند که به ایشان باز می‌گردی، و نیروی توانای تو هستند که با کمک آن‌ها بر دشمنان حمله می‌کنی» (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: ۴۰۶).[۱۳]

یکی از کارکردهای آشکار نهاد عشیره در مبحث «دیه عاقله» بروز و ظهور می‌یابد. در فقه شیعه برای قاتلینی که به اشتباه کسی را به قتل رسانده‌اند، نهاد عاقله تعبیه شده است تا در صورت فقر و ناتوانی قاتل در پرداخت دیه مقتول به او کمک کنند. «عاقله همان عصبه و اقارب پدری شخص ـ به ترتیب ارث ـ است. نکته مهم اینجاست که برای افراد عصبه و نَسَب عاقله انتها و حدّ خاصی معیّن نشده است، بلکه مصادیق مفهوم عصبه گسترده و فراوان است و دلیل شرعی بر تحدید سلسله نسب عاقله وجود ندارد» (احمدی، ۱۳۸۱: ۳۹). در فلسفه و چرایی وضع دیه بر عاقله آیت الله مکارم شیرازی دلائل خوبی ارائه کرده است. دیه بر عاقله (جمعی از خویشاوندان پدری) نوعی **بیمه فامیلی اسلامی** محسوب می‌شود که ضمن سَرشِکن کردن مبالغ بالای دیه مقتول، باعث همبستگی هرچه بیشتر اعضاء عشیره می‌شود. علاوه بر اینکه این حکم به نحوی تعاون در نیکی و نوعی صله رحم و پشتیبانی چندجانبه خویشان است که عقلاً و شرعاً مورد تأکید واقع شده است (نجف‌آبادی، ۱۴۲۹ق: ۵۴).

بنابراین پیش از نظام سیاسی، عشیره محرومین و مستضعفین جامعه در صورت

Archive of SID

www.SID.ir

توانایی وظیفه حمایت از آن‌ها را بر عهده دارند. امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «کودکی را خدمت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) آوردند که نه مالی داشت و نه کفیلی که خرجی او را بپردازد. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) فرمودند: هزینه این کودک به عهده عشیره اوست، چنانکه ارث او به عشیره‌اش خواهد رسید» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۴: ۱۳).

طبق احادیث این باب اولاً رابطه میان اعضاء یک عشیره رابطه هزینه ـ فایده کوتاه‌مدت نیست. ثانیاً دارایی مادی برای یک زندگی خوب کافی نیست. انسان نیازهایی غیرمادی مهمی چون امنیت، آرامش و تمرکز دارد که عشیره هر فرد، نقشی کلیدی و بی‌بدیل در تأمین این نیازها عهده‌دار می‌شوند. ثالثاً انسان حتی اگر محاسبه‌گر و به دنبال بیشینه‌سازی نفع خود هم باشد، باید منافع بلندمدّت را در نظر بگیرد و به تعبیری تمام تخم‌مرغ‌هایش را در قلمرو کوچک زندگی فردی نچیند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۲: ۱۵۴؛ شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: ۶۵).

۴. نقش و جایگاه نهاد «همسایه»

افراد به واسطه محل سکونت خود با عده‌ای از افراد دیگر هم محله‌ای می‌شوند. این قرابت مکانی زندگی افراد باعث ایجاد حقوقی است. در نظام همسایگی، همسایه‌ها از احوال هم مطلع هستند و اگر همسایه‌ای شب سر سیر بر بالین بگذارد و همسایه او گرسنه باشد از دایره مسلمانی خارج است (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ج۱۲، ۱۳۰).

۴-۱. حدود همسایه

در روایات ما به تعریف دقیق همسایه و حدود آن اشاره شده است. طبق روایات چهل خانه از چهار جهت همسایه انسان محسوب می‌شوند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۲: ۶۶۹). با این حساب در نظام همسایه هر خانه از یکسو تحت حمایت ۱۶۰ خانه و از سوی دیگر مسئول رسیدگی به ۱۶۰ خانه است. با در نظر گرفتن زندگی آپارتمان‌نشینی در دوران کنونی و اضافه‌شدن همسایه‌های طبقات بالا و پایین این رقم افزایش می‌یابد.

Archive of SID

www.SID.ir

۴-۲. کارکردهای نهاد همسایه در فقرزدایی

امام صادق (علیه‌السلام) درباره کارکردهای فقرزدای نهاد همسایه می‌فرمایند: «تعامل مناسب با همسایگان باعث افزایش رزق و روزی می‌شود» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۲: ۶۶۶).[۱۴] کمک به همسایه در امور زندگی، قرض دادن به همسایه، هدیه دادن از غذاها، نوشیدنی‌ها، میوه‌ها و غیره، برطرف کردن ناراحتی‌های همسایه و دیگر کارهای نیک در گفتار و کردار همگی از مصادیق تعامل نیکو با همسایه محسوب می‌شوند (مازندرانی، ۱۳۸۲ق، ج۱۱: ۱۲۸). یکی از قوانین تکافل که در نهاد همسایه بروز و ظهور بیشتری دارد، «قانون ماعون» است. ماعون به معنی چیز کم است، و شامل اسباب و اثاثیه معمول و جزئی زندگی است که «مردم مخصوصاً همسایه‌ها از یکدیگر به‌عنوان عاریه یا تملّک می‌گیرند، مانند مقداری نمک، آب، کبریت، ظروف و مانند این‌ها» (مکارم، ۱۳۷۱، ج۲۷: ۳۶۱). در بیان دیگری، امام صادق (علیه‌السلام) به نقل از جدشان رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرمایند: «رعایت حقوق همسایه، باعث عمران و آبادانی شهرها و افزایش عمر افراد می‌شود» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۲: ۶۶۷).[۱۵] طبق این روایات یکی از ملاک‌های مهم جامعه سالم سطح ارتباط متقابل همسایگان در آن جامعه است. امّا اگر در جامعه‌ای هر خانه، چون سلول‌های انفرادی یک زندان تعریف شود که زندانیِ در آن، از سلول کناری اطلاعی ندارد، اعضاء آن جامعه از یک موهبت طبیعی زندگی اجتماعی بی‌بهره می‌مانند. در واقع «توسعه‌یافتگی» را شاید بتوان با چنین معیارهایی سنجید و نه با تفرد و انزوای بیشتر افراد از یکدیگر.

۵. نهاد دوستی

هرفرد در طول زندگی خود بر اساس علایق و سلایق خود دوستانی صمیمی پیدا می‌کند که در خوشی‌ها و ناخوشی‌ها با او همراه هستند. این افراد که به تعبیر امام علی (علیه‌السلام) از گوگردسرخ نایاب‌تر هستند، یاران مورد اعتماد انسان و به منزله دست و بازو و خانواده و مال آدمی هستند که انسان باید جان و مال خود را به پای آن‌ها بریزد و در همه حال او را یاری کند (ابن بابویه،۱۴۰۲ق: ۳۰). بارزترین مصداق نهاد دوستی را می‌توانیم در پیمان دوستی صدر اسلام ملاحظه کنیم. کارآمدی نهاد دوستی ازجمله در هنگام فقر و

Archive of SID

www.SID.ir

تنگدستی بروز می‌یابد. با ارزش‌ترین پس‌اندازهای انسان دوستانی مورد اعتماد هستند که انسان در روزهای غم و شادی همراه انسان هستند و در وقت نیاز و تنگدستی به تأمین نیازهای او می‌پردازند) آقا جمال خوانساری،۱۳۶۶ ، ج .(۴۰۳ :۲امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) درباب نهاد دوستی و نقش آن در فقرزدایی می‌فرمایند: «دوستان در زمان آسایش مایه زینت آدمی و در زمان فقر و فاقه ذخیره و پس‌انداز انسان هستند» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۴۱۶).[۱۶]

۶. نقش و جایگاه نهاد «اخوّت و برادری»

انسان‌ها به واسطه اعتقادات و جهان‌بینی‌های خود اشتراکات و افتراقاتی می‌یابند. اشتراک در انسان بودن کمترین میزان این اشتراک است. هر کس به واسطه انسان بودن نسبت به هم‌نوعان خود حقوق و تکالیفی دارد. در مرتبه‌ای بالاتر می‌توان از اشتراک موّحدان در ایمان به خدای یگانه نام برد. با این ملاک تمامی خداپرستان و موحدان عالم از جمله اهل کتاب مشمول حقوق و تکالیفی مهم می‌شوند. در مرتبه‌ای بالاتر اعتقاد به نبوّت پیامبر خاتم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) باعث ایجاد رابطه ایمانی اخوّت و برادری دینی میان تمام مسلمان می‌شود. اعتقاد به امامت ائمه معصومین (علیهم‌السلام) موجب حقوق و تکالیف بیشتری در ارتباط شیعیان با یکدیگر می‌شود. تجلی‌گاه بارز این روابط را می‌توان در نهادهایی چون مسجد و هیأت مشاهده نمود. در اینجا شرط لازم صدق عنوان برادری تولد از یک مادر نیست، تنها شرط برادری، ایمان است. لذا در قرآن کریم بیان شده است که رابطه میان مؤمنان چیزی جز رابطه برادری نمی‌تواند باشد (الحجرات: ۱۰)[۱۷]؛ برادرانی که در قبال فقر یکدیگر احساس مسئولیت می‌کنند.

۶-۱. هم‌نوعان

حضرت علی (علیه‌السلام) در عهدنامه مالک اشتر مردم را به دو گروه تقسیم می‌کنند: «مردم بر دوگونه هستند: یا برادر دینی تو هستند یا اینکه هم‌نوع تو از لحاظ انسان بودن» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق: ۴۲۷). بنابراین نباید با أحدی تعامل حیوان‌گونه و سودجویانه داشت. در نتیجه این نوع نگاه انسان‌دوستانه و برادرانه به دیگران است که در هنگام

Archive of SID

www.SID.ir

توزیع اولیّه منابع و امکانات، همگان رفتاری منصفانه خواهند داشت و شکاف میان دارا و ندار یا کارفرما و کارگر به پایین‌ترین سطح ممکن خواهد رسید.

۶-۲. موحّدان و اهل کتاب

«اسلام دستور به قطع رابطه با دیگر ادیان نمی‌دهد، بلکه در شرایط دشوار دستور به تکافل با آن‌ها را می‌دهد، چرا که اسلام به بالاتر از اختلافات و تفاوت‌های دینی نگاه می‌کند و افق دید اسلام در سطح انسانیّت است» (ذهیبات، ۱۴۲۵ق: ۶۰). پس از اشتراک با کافران و مشرکان در انسان بودن، نوبت به اشتراک بر سر اعتقاد به خدای یگانه می‌رسد. قرآن کریم هم مسلمانان را دعوت به تعامل و همیاری با اهل کتاب می‌کند و برخی از آن‌ها را به خاطر امانت‌داری می‌ستاید. حتی ازدواج با زنان اهل کتاب و متکفّل شدن امور آن‌ها هم جایز شمرده شده است (المائده: ۵).

۶-۳. عموم مسلمانان

اسلام تمام مسلمان‌ها را به حکم یک خانواده می‌داند، و همه را خواهر و برادر یکدیگر خطاب می‌کند؛ آنان نه تنها در لفظ و در شعار که در عمل و تعهدهای متقابل نیز همه خواهر و برادرند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱، ج۲۲: ۱۷۲).

در حدیثی راوی از امام صادق (علیه‌السلام) از نحوه تعامل با غیرشیعیان می‌پرسد و آن حضرت رسیدگی به کارهای آنان از جمله عیادت مریض و حضور در تشیع جنازه را از وظایف شیعیان بر می‌شمارند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۲: ۶۳۶).

در میان هم‌کیشان برخی از گروه‌ها به دلیل داشتن برخی نیازها یا مشکلات خاص، در تکافل از اولویت و اهمیت بیشتری برخوردارند. مهم‌ترین این گروه‌ها عبارت هستند از: ایتام، فقرا و مساکین، سائلین و محرومین. دستور اسلام در این زمینه، یاری‌رسانی مستقیم و چهره به چهره با فقراست. رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرمایند: «صدقه دادن با دست خویش از مردن در شرایط و اوضاع بد حفظ می‌کند، و هفتاد نوع از انواع بلا را برطرف می‌سازد، و از میان دو فکّ هفتاد شیطانی جدا می‌شود که همگی اقدام‌کننده به صدقه را به ترک آن فرمان می‌دهند» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج۲: ۶۶).[۱۸] دلیل تأکید بر

Archive of SID

www.SID.ir

صدقه‌دادن با دست خود، موضوعیّت داشتن ارتباط مستقیم در جریان کمک‌رسانی است. مهم‌ترین کارکردهای رسیدگی بلاواسطه به فقرا عبارت است از اینکه اولاً در اثر مقایسه، فرد خیّر با محدود شدن دامنه و گستره خواسته‌ها و تمایلاتش، احساس رضایت و آرامش در مورد داشته‌های خود داشته باشد. ثانیاً فرد نیازمند را تا سرحدّ بی‌نیازی یاری می‌رساند. ثالثاً بسیاری از نیازهای غیرمادی و عاطفی فرد نیازمند را تأمین می‌کند. رابعاً امکان شناسایی نیازمندان واقعی از غیرواقعی و فهم مقدار و نوع نیاز هر فرد نیازمند آسان‌تر می‌گردد. همچنین می‌توان از مکان‌ها و زمان‌های خاص رسیدگی به فقرا در اسلام سخن گفت. موسم حج و زیارت مهم‌ترین زمان‌ها و مسجد و حسینیّه مهم‌ترین مکان‌های رسیدگی به فقرا محسوب می‌شوند. در نهاد مسجد امام جماعت نقشی محوری و واسط در فقرزدایی ایفا می‌کند. در نتیجه، در محله‌های جامعه اسلامی با محوریت مسجد و امام جماعت از یک سو مؤمنین آبرومند مشکلات مالی خود را به او انعکاس می‌دهند و از سوی دیگر مؤمنین متمکّن امام جماعت را امین خود قرار داده و کمک‌های مالی خود را به او می‌سپارند. امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «در زمان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) مسجد، جایگاه استراحت شبانه فقرا بود» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۸۰: ۳۵۷). مساجد همچنین به مثابه نهاد تعلیم و تربیت دینی و غیررسمی می‌توانند با تعلیم سبک‌زندگی صحیح به مؤمنین از افتادن آن‌ها به دام فقرغیرمادی پیشگیری کنند.

۶-۴. شیعیان

اوج رابطه اخوّت و برادری و مسئولیت‌های متقابل ناشی از آن در تعاملات میان شیعیان مشاهده می‌شود. خلاصه این رابطه را می‌توان در مفهوم «مواسات» فهم کرد. «مواسات به معنای شریک و سهیم دانستن کسی است با خود در مال و مضایقه نکردن آن از او» (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶، ج۶: ۱۷۹). امام علی (علیه‌السلام) درباره اهمیت مواسات می‌فرمایند: «نظام برادری با هیچ چیزی به اندازه مواسات پایدار نمی‌ماند»(تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۶۹۰). در جای دیگری تکافل فردی و مواسات را به‌عنوان ویژگی‌های سامان‌بخش دین یاد می‌کنند (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۴۱۷).[۱۹] رفع فقر مادی با کمک‌های بلاعوض کمترین موضوعی است که در این رابطه به آن پرداخته می‌شود.

Archive of SID

www.SID.ir

امام باقر (علیه‌السلام) فرمودند: «از جمله حقوق مؤمن بر برادر مؤمنش این است که گرسنگی او را سیر کند و پوشاک او را تأمین کند و از گرفتاریش نجات بخشد و بدهی‌اش را بپردازد و هنگامی که بمیرد سرپرستی خانواده و فرزندانش را عهده‌دار شود» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۲: ۱۶۹).

امام باقر (علیه‌السلام) از یکی از شیعیانشان می‌پرسند: «برادری شما تا این حد رسیده است که یک نفر بیاید و دستش را در کیف پول برادر دینی خود بکند و آنچه نیاز دارد بردارد، و دستش را نگیرند؟ من گفتم: من چنین رسم و آیینی در میان برادران دینی ندیده‌ام. امام باقر (علیه‌السلام) فرمودند: پس هنوز به برادری کامل نرسیده‌اید (کلینی، ۱۴۰۷ق،ج۲: ۱۷۴).

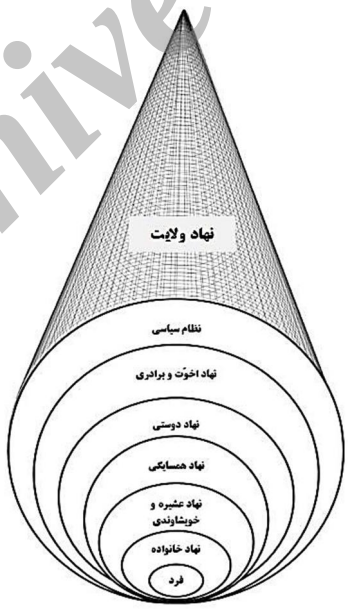
۷. نهاد ولایت

اعتقاد و التزام به وجود منبعی بی‌نیاز و توانای مطلق نقش مؤثری در کاهش فقرزدایی ایفا می‌کند. نهاد ولایت نهادی است که دربردارنده ولایت و سرپرستی خداوند متعال و اولیای معصوم او بر تمام موجودات می‌شود. این نهاد که در طول تمام نهادهای تکافل قرار می‌گیرد، با آن‌ها تفاوت‌هایی دارد. اولاً طبق صریح آیات و روایات نهاد ولایت مصداق اتمّ و اکمل تمام نهادهای پیشین است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۱: ۲۰۰).[۲۰] ثانیاً بر خلاف دیگر نهادهای فعّال در حوزه تکافل، برای یاری‌رسانی به دیگران دچار محدودیت منابع و امکانات نیست. افراد نیازمند در صورتی که مانعی در امور آن‌ها وجود نداشته باشد، با دعا به درگاه خدای بی‌نیاز یا توسّل به حضرات معصومین (علیهم‌السلام) و شفیع قرار دادن آن‌ها، مشکلاتشان حلّ می‌شود. شواهد عینی این ماجرا را می‌توان به‌طور خاص در شفا یافتن و حاجت‌روا شدن افراد نیازمند، در حرم اهل بیت (علیهم‌السلام) ملاحظه نمود. امام رضا (علیه‌السلام) دراین‌باره می‌فرمایند: «هروقت برای شما مشکلی پیش آمد به واسطه ما از خداوند کمک بخواهید» (مفید، ۱۴۱۳ق: ۲۵۲؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج۵: ۲۲۸). لذا فرد مؤمن زمانی که با دعا یا توسل به نتیجه دلخواه خود نمی‌رسد، پی به وجود نقصی در خود می‌برد و ضمن رفع آن مانع، نیاز خویش را برطرف می‌کند. ثالثاً نیازهای انسان منحصر در دنیای فانی نیست، بلکه انسان در عالم برزخ و آخرت به

Archive of SID

www.SID.ir

مراتب نیازهای بزرگ‌تر و بیشتری دارد. پس از این دنیا همه افراد فقیر هستند و دستشان از همه‌جا کوتاه، لذا تکافل در آنجا از اهمیّت بیشتری برخوردار است. در این دنیا تکافل به صورت مطلق وجود دارد؛ امّا برعکس در عالم آخرت تکافل به صورت **مقیّد** وجود دارد. تنها ارتباطات و تکافل‌هایی که حول محور ولایتِ حق شکل گرفته باشند، استمرار می‌یابد که به این نوع دست‌گیری در سرای باقی شفاعت می‌گویند. در مقابل، تکافل‌هایی که در دنیا حول محور ولایت جور و باطل بوده، نه‌تنها در آن جهان استمرار نمی‌یابد، بلکه تبدیل به دشمنی می‌شود. به تعبیر قرآن کریم این گروه‌ها از یکدیگر فراری هستند.[۲۱] بنابراین، سرمایه‌گذاری در جایگاه و کارکردهای مهم نهاد ولایت و سیاست‌گذاری‌ها در راستای تسهیل اموری مثل امر **زیارت** یا برگزاری مراسم عبادی دسته‌جمعی مثل **اعتکاف**، نقش بسزایی در فقرزدایی از جوامع ایفا می‌کند. به میزانی که افراد به این نهاد اعتقاد و در تعامل با آن باشند، احساس تنهایی و پوچی نخواهند کرد بلکه با اتکا به پشتوانه‌ای بسیار مستحکم، همواره در زندگی شاد و امیدوار خواهند بود و تنها در مقابل خداوند متعال احساس فقر می‌کنند.



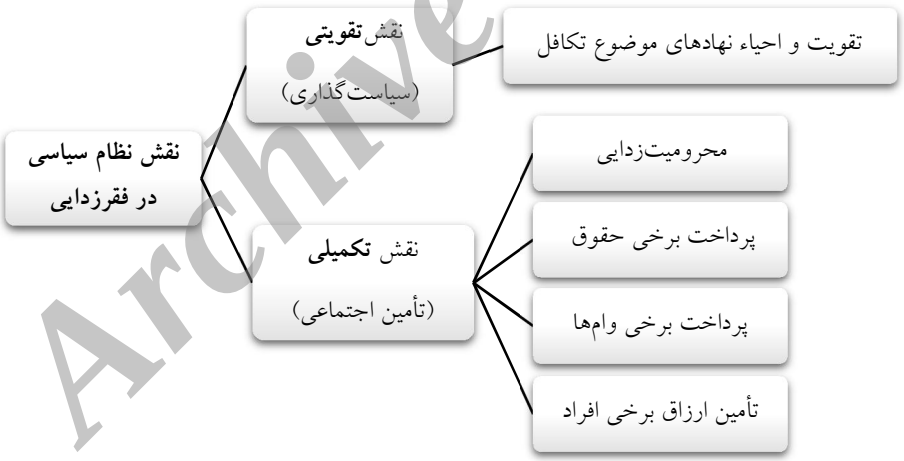
شکل ۳: سیاست‌گذاری فقرزدایی با محوریت تکافل اجتماعی

Archive of SID

www.SID.ir

نقش تکمیلی و تقویتی «نظام سیاسی»

دولت در جامعه اسلامی، در کنار دیگر نهادهای فعّال در حوزه تکافل و خواص جامعه، نقش مهمی در احیاء نهادهای موضوع تکافل و ***بسترسازی*** برای انجام خیرات در محیط جامعه بر عهده دارد. بنابراین سیاست‌گذاری‌های کلان نه‌تنها نباید منجر بـه تضـعیف و نابودی این نهادهای اصیل شود، بلکه همواره باید تقویت‌کننده این نهادها باشد. عـلاوه بر این دولت به‌عنوان مسئول فقرزدایـی از اقشـار بـی‌کـس‌وکـار نقـش تکمیلـی بـرای فقرزدایی دارد. در صورت گام نهادن در این مسیر، دولت به آخرین و کلان‌تـرین لایـه حمایتی و مسئول فقرزدایی از شهروندان تبدیل می‌شود. اگر نهادهای پیشادولتی به هـر دلیلی نابود یا تضعیف شدند این وظایف به نهاد دولت سرریز می‌شود و او نمی‌تواند از خود سلب مسئولیت کند. در ایـن صـورت از یکسـو شـاهد افـزایش سـطح توقعـات شهروندان از دولت هستیم و از سوی دیگر با ناکارآمدی این دولت‌ها شاهد نارضایتی‌ها و بی‌ثباتی سیاسی خواهیم بود.



شکل :۴کارکردهای نظام سیاسی در فقرزدایی

نمونه‌ای از فقرزدایی با سیاست‌گذاری تکافل محور در کشور عراق

کشور عراق را می‌توان به دلیل ساخت اجتماعی آن نمونه نسبتاً موفقی در ارزیابی نقش

Archive of SID

www.SID.ir

تکافل در فقرزدایی از این کشور بررسی کرد. کشور عراق یکی از نمونه‌های بارز کشورهای درحال توسعه است که از چند جهت دچار عقب‌ماندگی و کندی روند توسعه شده است.

عراق از سال ۲۰۰۰ تاکنون درگیر دو جنگ مهم بوده است: اوّل، حمله آمریکا به عراق. عراق رسماً هشت سال در اشغال نیروی‌های آمریکایی بود. طی اشغال عراق از سال ۲۰۰۳ تا سال ۲۰۱۱ به نقل از پروژه شمارش اجساد عراقی۱۱۴۷۳۱ (IBC) نفر غیرنظامی به طرز خشونت‌بار کشته می‌شوند. در خلال این جنگ ضمن نابودی بخش وسیعی از زیرساخت‌های این کشور، بخش قابل توجهی از نخبگان علمی و سرمایه‌های انسانی عراق هم به قتل می‌رسند که ضربه سنگینی به توسعه این کشور وارد می‌شود .در عراق تا سال ۲۰۰۷ سوءتغذیه کودکان به ۲۸ درصد رسید (Hunger, Disease Spread in Iraq, 2007) و گزارش‌ها حاکی از آن بود که حدود ۶۰ تا ۷۰ درصد از کودکان عراقی دچار مشکلات روانی شده‌اند (Traumatized Iraqi Children, 2007). دوّم، جنگ عراق با داعش. عراق از سال ۲۰۱۴ تاکنون درگیر جنگ با گروه تکفیری ـ تروریستی داعش است. داعش حدود ۲۰ درصد از خاک عراق را اشغال کرده است. این جنگ تاکنون بخش زیادی از سرمایه‌های اقتصادی و انسانی این کشور را نابود کرده است.

نهادهای دولتی در کشور عراق عموماً فاسد و بهره‌کش هستند. این کشور در رتبه‌بندی شفافیت و فساد از ۱۶۷ رتبه، در جایگاه ۱۶۱ در میان کشورها قرار دارد (Corruption Perceptions Index, 2015). تعطیلی پارلمان و تظاهرات عمومی علیه فساد در کشور عراق بارها و بارها تکرار شده است که خود گواهی بر عمق این فاجعه است.

۱. جایگاه تکافل در فقرزدایی کشور عراق

مردم کشور عراق با برخورداری از خانواده‌های گسترده و با ابتنای به نظام عشیره‌ای توانسته‌اند، علی‌رغم وجود موانع و مشکلات فراوان ناشی از توسعه‌نیافتگی، بر بخش زیادی از آن‌ها فائق شوند. به دلیل وجود لایه‌های تکافل در این نظام اگر یک فرد دچار فقر و تنگدستی شود احساس تنهایی نمی‌کند، هرچند که دولت آن‌ها فاسد و نهادهایش بهره‌کش باشد.

Archive of SID

www.SID.ir

حضور بیست و دو میلیون زائر از ۸۰ کشور دنیا در ایّام اربعین حسینی را به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین اجتماعات بشر در طول تاریخ یاد کرده‌اند که این جمعیت ده برابر شرکت‌کنندگان در مراسم حج است (Christia et al., 2016: 2). پذیرایی از این زائران و اسکان آن‌ها اولاً به صورت کاملاً مردمی و داوطلبانه ثانیاً به صورت رایگان و بدون هیچ منّتی انجام می‌گیرد. این امر تا حدود زیادی مدیون نظام عشیره‌ای عراق است به‌طوری که ۷۰۶۰ موکب را در سال ۱۳۹۴ در مسیرهای منتهی به کربلا برای پذیرایی و اسکان زائران به‌طور کاملاً خودجوش راه‌اندازی کرده‌اند (hajnews.ir ۱۳۹۴)، موکب‌ها سازمان‌های مردم‌نهادی هستند که متولّی برگزاری مراسم عزاداری مذهبی هستند و در ایام اربعین در مسیرهای منتهی به کربلا ارائه انواع خدمات رفاهی، بهداشتی، غذایی، واکس‌زدن کفش‌ها، ماساژ بدن و پاها، تعمیر وسایل و دیگر موارد، می‌پردازند (حسام مظاهری، ۱۳۹۵: ۱۰۰ و ۴۸۱). «اعتقاد به فضیلت بسیار زیاد زیارت امام حسین (علیه‌السلام) به‌خصوص در اربعین و جایگاه زائران آن حضرت باعث رقابت هرچه بیشتر و بهتر صاحبان موکب‌های مختلف و ارائه‌دهندگان خدمات برای جلب نظر زائران شده است .در این مراسم افراد از هر جنس، سن، نژاد، ملیّت و حتی دین و مذهب با گرایش‌های گوناگون فکری، فرهنگی، مذهبی و سیاسی حضور دارند .حتّی برخی افراد دارای معلولیت جسمی با ویلچر و عصا در این آیین شرکت می‌کنند» (حسام مظاهری، ۱۳۹۵: ۱۰۰). این زائران به‌طور متوسط و در مجموع حدوداً هفت روز مشغول پیاده‌روی و اقامت در کربلا و مسیرهای منتهی به آن می‌شوند .هرچند آمار دقیقی در مورد هزینه‌هایی که مردم در این مراسم متکفل می‌شوند وجود ندارد، با در نظر گرفتن ۲۰ هزار تومان متوسط هزینه‌ای که روزانه برای هر کدام از این زائران می‌شود، به مبلغی بیش از ۳ هزار میلیارد تومان می‌رسیم .به‌طوری که می‌توان ادعا کرد که هیچ دولتی به تنهایی قادر به اداره و تأمین امکانات کافی برای این اجتماع عظیم بشری نیست. تخصیص امکانات و مزایا نه بر اساس میزان دارایی‌های افراد بلکه بر اساس اتّصاف افراد به صفت زائر صورت می‌گیرد .لذا فقیرترین افراد و غیرمسلمانان هم در این راهپیمایی شرکت می‌کنند.

این نوع از رابطه میان افراد در ایام اربعین حسینی در کشور عراق مصداقی عینی از تکافل محسوب می‌شود. با گسترش این فرهنگ به باقی مکان‌ها و زمان‌ها می‌توانیم شاهد نوع جدیدی از تعاملات و مناسبات غیرپولی میان افراد باشیم که در آن فقیری وجود نداشته باشد.

Archive of SID

www.SID.ir

نتیجه‌گیری

تأکید بر نقش و جایگاه نهادهای موضوع تکافل را نباید به معنای دفاع از سنت در برابر مدرنیته در نظر گرفت. تقسیم دوگانه میان سنت و مدرنیته دربردارنده دو مفروض غلط است. نخست اینکه با ایجاد نوعی تقابل میان سنت و مدرنیته به ذهن متبادر می‌شود که با آمدن مدرنیته همه سنّت‌ها از بین می‌رود؛ حال آنکه بسیاری از سنت‌های اجتماعی به اشکال گوناگون همچنان باقی می‌مانند یا خود را با شرایط جدید در قالبی نو انطباق می‌دهند و حتی در مواردی با إحیاء و بازسازی سنت‌ها مواجهیم. دوم اینکه ایجاد دوگانه میان سنت و مدرنیته در بردارنده نوعی ارزش‌گزاری و قضاوت پیشینی است. این تقسیم‌بندی به مخاطبان خود إلقا می‌کند که هر امر سنتی بد و هر امر مدرن خوب است. حال آنکه این پیش‌داوری نادرست است. ما بسیاری از سنّت‌های خوب و کارآمد داریم که می‌توانیم با إحیاء و دور نگاه داشتن آن‌ها از آفاتی که در گذشته به آن مبتلا می‌شدند مشکلاتی که امروزه با آن دست و پنجه نرم می‌کنیم را درمان نماییم.

بهره‌مندی از هویت‌های جمعی در نهادهای موضوع تکافل محاسن و کارکردهای بسیاری در تأمین نیازها و حلّ مشکلات، علی‌الخصوص مشکل فقر، ایفا می‌کنند. امّا هرکدام از این نهادها ممکن است دچار آفات یا کژکارکردهایی شوند که هر چند جزء جدایی‌ناپذیر این نهادها نیست امّا باید با اتّخاذ تدابیری از آن‌ها جلوگیری کرد. توضیح اینکه هر امر و پدیده‌ای می‌تواند دچار آفاتی شود. پیامبر اکرم (ﷺ) در این رابطه قائده‌ای کلان بیان کرده‌اند: «هر چیز آفتی دارد که مایه فساد آن می‌شود» (پاینده، ۱۳۸۲: ۶۳۲)[۲۲]. نهادهای فعّال در حوزه تکافل هم از این قاعده مستثنی نیستند. این نهادها در صورت عدم رعایت برخی از تدابیر می‌توانند مبتلا به آفاتی مثل انحراف از حقیقت، پارتی‌بازی، تقلید کورکورانه و تجاوز به حریم خصوصی شود.

سیاست‌گذاری‌های رایج توسعه به‌جای احیاء نهادهای پشتیبانی که فرد عضو آن است، به احیاء موقّت خود فرد توجه می‌کنند. این اقدام که بیشتر توسط دولت‌های رفاهی پیگیری می‌شود مانند این است که فردی که خانه خود را گم کرده به‌جای اینکه خانه او را پیدا و احیاء کنیم، به اقامت فرد گمشده در اتاقک‌هایی به‌طور موقت اکتفا کنیم. تجربه بسیاری از کشورها نشان می‌دهد که این‌گونه سیاست‌ها در کاهش فقر و

Archive of SID

www.SID.ir

شکاف میان دارا و ندار الزاماً در همه‌جا موفق نبوده و در ضمن تابع نوسان‌های اقتصادی و ملزومات ناشی از آن بوده است.

ما در این مختصر پس از آشنایی با اقسام فقر مادی و غیرمادی و اولویت و اهمیت هر یک، بر اهمیت و نقش بی‌بدیل نهادهای خانواده، خویشاوندان، عشیره، همسایه، اخوّت و برادری در ریشه‌کنی اقسام فقر، به ویژه فقر غیرمادی پرداختیم. نهادهای موضوع تکافل از چند جهت کارویژه‌های بی‌بدیلی در فقرزدایی دارند. اولاً تشخیص دقیق نوع و میزان فقر ثانیاً فقرزدایی در رابطه‌ای همسو با دیگر مشکلات به‌طوری که حل مشکل فقر باعث ایجاد مشکلات جدیدی چون تنبلی و احساس حقارت در فرد مقابل نشود. این‌ها کارویژه‌هایی هستند که حتّی خیریه‌ها عاجز از تأمین آن‌ها هستند. ضمن اینکه خیریه‌ها به دلیل عدم ارتباط شبکه‌ای با یکدیگر، توان شناسایی فقرای واقعی از غیر واقعی و سنجش نوع و میزان فقر هر یک از افراد را ندارند و از سوی دیگر به دلیل نبود نظارت عمدتاً دچار فسادهای مالی می‌شوند.

دولت از این جهت که متکفّل اصلی تقویت و احیاء این نهادها برای افزایش قدرت نوآوری اجتماعی[۲۳] است، نقشی اوّلی در فقرزدایی ایفا می‌کند و از این جهت که فقط مسئول تأمین نیازهای باقیمانده فقر و رسیدگی به فقرای بی‌کس و کار است، مسئولیتی ثانوی در فقرزدایی دارد چرا که «هیچ بوروکراسی واحدی، برای تمام مشکلات اجتماعی راه‌حل ارائه نمی‌کند» (گلداسمیت، ۱۳۹۵: ۳۰). طبیعی است که هرقدر نهادهای موضوع تکافل تضعیف شوند، دولت وظایفی مضاعف برای فقرزدایی خواهد داشت که غالباً با ناکارآمدی و ایجاد مشکلات جدید همراه خواهد بود.

یادداشت‌ها

1. community
2. One-size-fits-all
3. super-custom

۴. در عبارت اصلی به جای مسجد کلیسا آمده است.

5. Islamic insurance
6. Self help
7. Functionalism

۸. «الطَّمَعُ هُوَ الْفَقْرُ الْحَاضِرُ»

9. cost-benefit

Archive of SID

www.SID.ir

۱۰. «بَابُ أَنَّ التَّزْوِيجَ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ»
۱۱. «لَا صَدَقَةَ وَ ذُو رَحِمٍ مُحْتَاج»
۱۲. «قطيعة الرحم يورث الفقر و و صلة الرحم تزيد في الرزق»
۱۳. «وَ أَكْرِمْ عَشِيرَتَكَ فَإِنَّهُمْ جَنَاحُكَ الَّذِي بِهِ تَطِيرُ وَ أَصْلُكَ الَّذِي إِلَيْهِ تَصِيرُ وَ يَدُكَ الَّتِي بِهَا تَصُول»
۱۴. «حسن الجوار يزيد في الرزق»
۱۵. «حسن الجوار يعمر الديار و ينسئ في الأعمار»
۱۶. «الْإِخْوَانُ زِينَةٌ فِي الرَّخَاءِ وَ عُدَّةٌ فِي الْبَلَاء»
۱۷. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَة»
۱۸. «الصَّدَقَةُ بِالْيَدِ تَقِي مِيتَةَ السَّوْءِ وَ تَدْفَعُ سَبْعِينَ نَوْعاً مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ وَ تَفُكُّ عَنْ لَحْيَيْ سَبْعِينَ شَيْطَاناً كُلُّهُمْ يَأْمُرُهُ أَنْ لَا يَفْعَل»
۱۹. «نِظَامُ الدِّينِ خَصْلَتَانِ إِنْصَافُكَ مِنْ نَفْسِكَ وَ مُوَاسَاةُ إِخْوَانِك»
۲۰. «الْإِمَامُ الْأَنِيسُ الرَّفِيقُ وَ الْوَالِدُ الشَّفِيقُ وَ الْأَخُ الشَّقِيقُ وَ الْأُمُّ الْبَرَّةُ بِالْوَلَدِ الصَّغِيرِ وَ مَفْزَعُ الْعِبَادِ فِي الدَّاهِيَةِ النَّآد»
۲۱. «يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ وَ أُمِّهِ وَ أَبِيهِ وَ صَاحِبَتِهِ وَ بَنِيهِ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ» (عبس: ۳۷-۳٤).
۲۲. «لكلّ شيء آفة تفسده»

23. social innovation

منابع:

قرآن کریم

ابن بابویه، محمّدبن علی (۱۳۶۲)، *الخصال*، قم: جامعه مدرسین.

ابن بابویه، محمّدبن علی (۱۳۷۸)، *گلچین صدوق*، ترجمه محمد حسین صفاخواه، تهران: فیض کاشانی.

ابن بابویه، محمّدبن علی (۱۴۰۲ق)، *مصادقة الإخوان*، الکاظمیة: مکتبة الإمام صاحب الزمان العامة.

ابن بابویه، محمّدبن علی (۱۴۰۳ق)، *معانی الأخبار*، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.

ابن بابویه، محمّدبن علی (۱۴۰۳ق)، *من لا یحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

احمدی، ذکرالله (۱۳۸۱)، *نهاد عاقله در حقوق کیفری اسلام*، تهران: میزان.

ادگار، اندرو و سج‌ویک، پیتر (۱۳۸۷)، *مفاهیم بنیادی نظریه فرهنگی*، ترجمه مهران مهاجر و محمّدنبوی، تهران: آگه.

آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین (۱۳۶۶) *شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم*، تهران: دانشگاه تهران.

برت، پاتریک (۱۳۸۹)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی در قرن بیستم*، ترجمه محمّد خانی، تهران: رخ‌داد نو.

بهنام، جمشید (۱۳۸۳)، *تحولات خانواده؛ پویایی خانواده در حوزه‌های فرهنگی گوناگون*، ترجمه محمدجعفر پوینده، ماهی، تهران.

Archive of SID

www.SID.ir

بودون، ریمون؛ بوریکو، فرانسوا (۱۳۸۵) *فرهنگ انتقادی جامعه‌شناسی*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: فرهنگ معاصر.
پاینده، ابوالقاسم (۱۳۶۳) *نهج‌الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ)*، دنیای دانش، تهران.
تمیمی‌آمدی، عبدالواحدبن محمّد (۱۴۱۰ق) *غرر الحکم و درر الکلم*، قم: دارالکتب الإسلامیة.
جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱) *جامعه در قرآن*، قم: مرکز نشر اسراء.
حسام مظاهری، محسن (۱۳۹۵) *فرهنگ سوگ شیعی*، تهران: خیمه.
حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی (۱۳۸۰)، *الحیاة*، ترجمه احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
خانی، حسین (۱۳۹۱) نظریه کارکردگرایی (فونکسیونالیسم)، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۲۹۰ زمستان ۱۴۶-۱۵۳.
دیلینی، تیم (۱۳۸۷) *نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی*، ترجمه بهرنگ صدیقی و وحید طلوعی، تهران: نی.
ذهیبات، عباس(۱۴۲۵ق)، *التکافل الإجتماعی فی* مدرسة*اهل البیت* (علیهم‌السلام)، قم: مرکز الرسالة.
راغب اصفهانی، حسین بن محمّد (۱۳۷۴) *مفردات ألفاظ القرآن*، تهران: مرتضوی.
سباعی، مصطفی (۱۹۹۸م)، *التکافل الإجتماعی فی الإسلام*، ریاض: دارالورّاق للنشر و التوزیع.
سن، آمارتیا کومار (۱۳۸۱)، *توسعه به مثابه آزادی*، ترجمه وحید محمودی، تهران: دستان.
شریف‌الرضی، محمّدبن حسین (۱۴۱۴ق)، *نهج‌البلاغة*، قم: هجرت.
شیخ حر عاملی، محمّدبن حسن (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعة*، قم :موسسة آل البیت (علیهم‌السلام).
صدر، محمّدباقر (۱۴۲۴ق)، *اقتصادنا، موسوعة الشهید الصدر*، قم: مرکز الأبحاث والدراسات التخصّصیّة للشهید الصدر.
طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، *المیزان*، ترجمه محمّدباقر موسوی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
عضدانلو، حمید(۱۳۸۴)، *آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی*، تهران: نی.
علیزاده، حسن(۱۳۸۹)، *فرهنگ خاص علوم سیاسی*، تهران: نهادگرا.
غربال، محمّد شفیق (۱۹۷۸م)، *الموسوعة العربیة المیسرة*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
قطب، سید، (بی‌تا)، *العدالة الإجتماعیة فی الإسلام*، قاهره: دارالشروق.
قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳)، *تفسیرالقمی*، قم: دارالکتاب.
کلوسکو، جورج (۱۳۹۱)، *تاریخ فلسفه سیاسی*، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: نی.
کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق(۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران: دارالکتب‌الإسلامیة.
کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۳۶۹)، *اصول الکافی*، ترجمه سیدجواد مصطفوی، تهران: کتابفروشی علمیه اسلامیه.
گلداسمیت، استفان (۱۳۹۵)، *قدرت نوآوری اجتماعی*، ترجمه علی اصغر سعدآبادی و حسین افتخاری، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)

Archive of SID

www.SID.ir

مارشال، گوردن (۱۳۸۸)، *فرهنگ جامعه‌شناسی*، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: میزان.
مازندرانی، محمّدصالح بن احمد (۱۳۸۲ق)، *شرح الکافی- الأصول و الروضة*، تهران: المکتبة الإسلامیّة.
مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۴ق)، *مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول*، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
مجلسی، محمّدباقر بن محمّدتقی (۱۴۰۳ق)، *بحارالأنوار الجامعة لدرر أخبارالأئمة الأطهار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
معینی‌فر، حشمت‌السادات (۱۳۹۰)، *دولت‌های رفاه و سیاست‌های حمایتی خانواده*، تهران: میزان.
مفید، محمّدبن محمّد (۱۴۱۳ق)، *الإختصاص*، قم: الموتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
نجف‌آبادی، حسین علی منتظری (۱۴۲۹ق)، *مجازات‌های اسلامی و حقوق بشر*، قم: ارغوان دانش.
نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم: مؤسسة آل البیت (علیهم‌السلام).
Christia, Fotini; Dekeyser, Elizabeth; Knox, Dean (2016). *To Karbala: Surveying Religious Shi'a from Iran and Iraq.*
United Nations (2010). *Rethinking Poverty (Report on the World Social Situation),* New York: United Nations.
Maslow, Abraham H. (1970). *Motivation and Personality*, New York: harper & Row.
Hunger, Disease Spread in Iraq (2007). http://in.reuters.com/article/idINIndia-28727320070730 (مشاهده: ۱۳۹۵/۱۰/۲۹ آخرین)
Traumatized Iraqi Children (2007). http://www.irinnews.org/feature/2007/07/16/traumatised-iraqi-children-suffer-psychological-damage (مشاهده: ۱۳۹۵/۱۰/۲۹ آخرین)
http://hajnews.ir/Default.aspx?tabid=89&ID=6111 (مشاهده: ۱۳۹۵/۱۰/۲۹ آخرین)
Corruption Perceptions Index (2015). http://www.transparency.org/cpi2015 (مشاهده: ۱۳۹۵/۱۰/۲۹ آخرین)

Archive of SID

www.SID.ir